



کلاس تربیتی حضرت زهرا(س) تا روز قیامت برپاست

استاد اخلاق حوزه علمیه قم با اشاره به روایتی از امام زمان(عج) که الگوی خود را حضرت زهرا(س) معرفی می‌کند، گفت: وقتی يك انسان کامل، الگوی خود را فاطمه الزهرا(س) معرفی می‌کند، یعنی کلاس تربیتی ایشان تا روز قیامت برقرار است.

استاد اخلاق حوزه علمیه قم با اشاره به روایتی از امام زمان(عج) که الگوی خود را حضرت زهرا(س) معرفی می‌کند، گفت: وقتی يك انسان کامل، الگوی خود را فاطمه الزهرا(س) معرفی می‌کند، یعنی کلاس تربیتی ایشان تا روز قیامت برقرار است.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی فروغی از اساتید فقه، اصول و اخلاق حوزه علمیه قم، شاگرد برجسته مرحوم آیت‌الله شیخ علی سعادت‌پرور(پهلوانی) و امام جمعه موقت اردبیل است. به مناسبت فرا رسیدن سالروز ولادت با سعادت حضرت فاطمه الزهرا سلام‌الله علیها و روز زن و مادر، گفت‌وگویی مشروحی با وی انجام داده‌ایم که در پی می‌آید.

*** برنامه اسلام برای تربیت و رشد انسان چیست؟**

– نگرش اسلام به تربیت مؤمن از دو راه است. یعنی اسلام از دو راه وارد مقوله تربیت شده است. یکی؛ از راه بیان و تئوری پردازی است. یعنی می‌گوید چه چیزهایی از عوامل صعود و رشد انسان است و چه چیزهایی از عوامل سقوط انسان است، به عبارت دیگر عوامل و اسباب رحمت خداوند تبارک و تعالی کدامند و موانع رسیدن رحمت ربوبی چیست؟ قرآن کریم بوسیله آیات مختلف، بیانات گوناگونی در این زمینه دارد، از راه عقل و استدلال تا راه موعظه، قصه، مثال و ... تا اینکه انسان به تکامل روحی خود برسد.

*** چند عامل در ساختار شخصیت انسان دخیل است؟**

– به طور کلی، سه عامل در ساختار شخصیت انسان دخیل است: اول؛ عقیده و ایمان، دوم؛ اخلاق و سوم؛ عمل و رفتار. از این رو قرآن کریم درباره مسائل ایمان، توحید را ارائه داده، درباره مسائل اخلاقی، زیبایی‌های اخلاقی را ارائه کرده و فرموده: رذایل اخلاقی را که ریشه های گناهان در انسان است از بین ببرید و خود را از آنها تطهیر کنید و از بُعد رفتار، عمل صالح را مطرح فرموده است. این سه بخش، انسان را آن گونه که خدای متعال می‌خواهد می‌سازد و تربیت می‌دهد. اگر انسان بخواهد عبد صالح خدا شود یعنی بخواهد عبدي شود که محبوب خداست، باید در حوزه عقیده، اخلاق و رفتار کار کند و هر سه بُعد را مواظبت نماید.

*** فرمودید اسلام از دو راه وارد مقوله تربیت شده است، راه دوم چیست؟**

– دومین راهی که قرآن کریم برای مساله تربیت مطرح کرده، ارائه اسوه و الگو است. یعنی قرآن کریم علاوه بر اینکه تئوری پردازی کرده، الگو نیز معرفی کرده است. مانند اینکه يك بار کتاب داستان می‌خوانیم و يك بار فیلم همان داستان را می‌بینیم.

قرآن کریم، داستان زندگی انسان و اینکه از کجا به کجا می‌تواند صعود کند و چه عواملی باعث سقوط می‌شود را بیان کرده و همچنین اینها را در قالب قهرمانانی در عالم هستی پیاده کرده است و در همین راستاست که انسانهایی که در صحنه آفرینش، قهرمان توحید و کمالات معنوی و اعمال صالح هستند به ما معرفی شده‌اند.

به عبارت دیگر، آنچه را که قرآن کریم فرموده صرف تئوری نیست بلکه در افرادی پیاده شده و به عنوان الگو معرفی شده است. به عنوان نمونه، خداوند تبارک و تعالی پیامبر اعظم (ص) را به عنوان اسوه برای ما معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا« مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. (احزاب/21)

یا ابراهیم (ص) را الگو معرفی می‌کند و می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ« برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود دارد. (ممتحنه/4)

در کنار آن از افراد عادی که پیامبر نبودند نیز نام می‌برد و می‌فرماید: «وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ« ما به لقمان حکمت دادیم. (لقمان/12)

لقمان، يك فرد عادی بود که در روایات داریم حضرت داوود (ع) و حضرت سلیمان (ع) پای منبر لقمان می‌آمدند و می‌نشستند. ببینید پیامبر الهی، پای منبر يك فرد عادی می‌نشست البته فردی بود که به درجه‌ای از معرفت و کمال رسیده بود که خداوند در قرآن از او نام می‌برد.

اینها الگوهایی است که ما باید برای ساختن شخصیت خود از آنها درس بگیریم.

* قرآن کریم از برخی زن‌ها نیز یاد کرده است، در این مورد هم توضیح دهید.

– بله، قرآن کریم از بعضی از زن‌ها نیز به عنوان الگو یاد کرده است.

در مورد زن فرعون فرمود: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ؛ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است. (تحریم/11)

جالب اینکه خداوند متعال نفرموده که آسیه را تنها برای زنان مثال زدیم بلکه برای تمامی افرادی که ایمان آورده‌اند، آسیه را مثال زده است.

درباره مریم می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان، برتری داده است. (آل عمران/42)

به هر حال خداوند متعال، انسان‌هایی را مثال می‌زند که در همین عالم ماده و با داشتن قوای مادی و خصلت‌های طبیعی و با وجود همه مشکلات و سختی‌ها به درجه بالایی رشد و کمال رسیده‌اند تا به ما بفهماند اینها با وجود امیال طبیعی و مادی و با وجود مشکلات و سختی‌های بسیار به درجات بالا رسیده‌اند.

پس قرآن ضمن اینکه به بُعد نظری می‌پردازد، به بُعد عملی هم می‌پردازد و انسان باید هم از بُعد نظری رشد کند و هم از بُعد عملی. آنچه از افراد یا از حقایق و عالم بالا گفته می‌شود انسان فطرتاً دوست دارد و می‌خواهد آنها را در وجود یک شخص، مشاهده کند لذا قرآن کریم برای شهود این حقایق، انبیا را معرفی کرده و عده‌ای از اولیا هم بعنوان مثل بیان شده‌اند.

* درباره شخصیت حضرت زهرا (س) و الگو بودن ایشان بفرمایید.

– از پیامبر اسلام (ص) روایت معروفی نقل شده که می‌فرماید: از زن‌ها چهار نفر جزو کمترین در عالم هستند؛ مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. (سلام الله علیهن)

برای رشد ایمان افراد جامعه اعم از مرد و زن، باید به ابعاد شخصیت فاطمه زهرا (س) توجه داشته باشیم و آنها را تا جایی که ممکن است در وجود خود پیاده کنیم.

ضمن اینکه هر کس بخواهد رشد کند و به مراتب بالایی معنوی برسد باید ببیند چه عواملی سبب شده تا فاطمه زهرا سلام الله علیها شخصیت ممتازی باشد، چه عواملی باعث شده الگو باشد، این عوامل را بشناسد و در وجود خود پیاده کند تا شبیه حضرت فاطمه سلام الله علیها شود.

قاعده معروفی است که «السنخية علة الانضمام» یعنی دو شیء، وقتی کنار هم قرار می‌گیرند که با هم سنخیت داشته باشند. ما باید بدانیم چه چیز باعث می‌شود با حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها سنخیت پیدا کنیم تا بتوانیم با او باشیم.

ما به اندازه‌ای که سنخیت و ظرفیت پیدا می‌کنیم، می‌توانیم از حضرت فاطمه (س) در نوع رفتار با همسر، در نوع رفتار با فرزندان، در نوع رفتار با پدر، در نوع رفتار با جامعه، در مسائل سیاسی و ... الگو بگیریم و از ایمان و اخلاق و رفتار فاطمه بهره ببریم.

* چگونه می‌توانیم با حضرت زهرا (س) سنخیت پیدا کنیم؟

– در روایت‌های متعددی آمده که «إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَعَصِبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مَقْرَّبٌ، أَوْ نَبِيٌّ مَرْسَلٌ، أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنَ اللَّهَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ» خیلی روایت عجیبی است که در کلمات امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه نیز آمده است و عبارت‌های گوناگون دارد. به همین مضمون عبارت‌های «وَأَن حَدِيثَنَا...» و «وَأَن إِقَامَةَ وَلايَتِنَا...» نیز وارد شده است.

یعنی کار ما، امر ما، ولایت ما، حدیث ما بسیار پیچیده و دشوار است، و آن را فقط ملک مقرب یا نبی مرسل یا بنده‌ای که خداوند قلبش را با ایمان امتحان کرده می‌تواند حمل کند.

یعنی هر کسی نمی‌تواند به آن نزدیک شود، ظرفیت خاص می‌خواهد و این ظرفیت خاص را ملک مقرب دارد، جبرئیل امین دارد، میکائیل دارد، نبی مرسل مانند ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) دارند و بنده‌ای که خداوند قلب او را برای ایمان امتحان کرده است.

بنابراین، ایمان است که سنخیت و ظرفیت می‌آورد. هر چه ما در مراتب ایمان رشد کنیم و ظرفیت‌مان بالاتر رود شخصیت ما بیشتر شبیه صاحبان کمال می‌شود و در نتیجه بهتر می‌توانیم از آنها الگو بگیریم و آنها در وجود ما بیشتر تجلی می‌کنند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید... (نساء/136)

چگونه فردی که ایمان آورده، دوباره ایمان بیاورد؟ پاسخ این است که ایمان مراتب دارد، یقین مراتب دارد، باید در مراتب ایمان و یقین پیش رفت و روز به روز ایمان را قوی‌تر کرد تا به کمالات بیشتر نائل شد.

* چگونه ایمان را تقویت کنیم؟

– این بحث به طهارت باز می‌گردد، به طهارت نفس انسان مربوط می‌شود و واقعیت این است که با علوم ظاهری نمی‌شود اینها را تحصیل کرد، علوم ظاهری برای اقناع عقل و ذهن ماست، عقل ما قانع می‌شود اما وارد شدن به مراتب عالیہ ایمان جز با طهارت باطن امکان پذیر نیست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾؛ آن، قرآن کریم است که در کتاب محفوظی جای دارد و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست یابند. (واقعه/77 تا 79)

یعنی حقیقت قرآن قابل مس است اما حریم ممنوعه است مگر اینکه انسان به طهارت نفس برسد. پس هر چه انسان در طهارت پیش می‌رود مراتب ایمان هم بالاتر می‌رود تا به اوجش می‌رسد و همت عارف در سلوک همین است که قلبش باز شده و توحید را شهود کند. این امور یافتنی است، دانستنی نیست.

امام حسین (ع) در دعای عرفه فرمود: ﴿وَمَا ذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مِنْ وَجَدِكَ﴾ یعنی الهی هر که تو را گم کرده چه چیز را پیدا کرده است! و هر که تو را پیدا کرده، چه چیز را گم کرده است! سخن از ﴿وَجَدَ﴾ به معنی یافتن و پیدا کردن است نه دانستن و آگاهی صرف، و این امر وجدانی است و انسان باید در حقیقت وجود خود به این مطالب برسد.

* چگونه طهارت و پاکی را در خود ایجاد کنیم؟

– قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾؛ و از پلیدی دوری کن. (مدثر/5) از این رو هر چه پلیدی است، (فکر پلید، اخلاق پلید و رفتار پلید) باید از آن اجتناب کرد و این قدم اول است. برخی از علما گفته‌اند مرحله اول مرحله تروک است یعنی همه اش ترک کردن است.

پس باید با ایمان به خدا از اخلاق رذیله و معصیت دوری کرد. کسی که می‌خواهد وارد سیر و سلوک شود راه اول، ایمان و ترک معاصی است، معصیت انسان را ناپاک و نجس می‌کند و با طهارت نفس نمی‌سازد.

مراحل بعدی برای کسانی است که مرحله اول را در خود پیاده کرده‌اند.

هفت شهر عشق را عطار گشت / ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم

حضرت امیرالمومنین علی (ع) فرمود: خداوند به پیغمبر ادب آموخت و او را تربیت کرد و پیامبر، مرا تربیت کرد. سپس فرمود: من هم مومنان را تربیت می‌کنم و کرامت‌های اخلاقی را برای افرادی ارث می‌گذارم که جهت زندگی‌شان در عالم مشخص باشد، افرادی که می‌خواهند در عالم با کرامت زندگی کنند.

مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام همیشه باز است و مربوط به زمان و مکان خاص نیست. چون انسان‌هایی مربوط به زمان و مکان خاص هستند که انسان‌های مادی‌اند، خود را در عالم ماده محبوس کرده‌اند اما انسان‌هایی که ما فوق عالم ماده هستند و صاحبان ولایت تامه الهی می‌باشند هرگز کهنه نمی‌شوند و هرگز مکتبشان تعطیل نمی‌شود، درسشان تعطیل نمی‌شود.

به همین جهت، درس مکتب فاطمه زهرا (س) تا روز قیامت، دایر است، انسان کامل برای همه زمان‌ها و همه مکان‌هاست و هیچ اندیشه‌ای نمی‌تواند انسان‌های کامل را کهنه کرده، آنها را باطل و از صحنه خارج کند.

هر اندیشه بشری که در عالم وجود دارد، کهنه شدنی است مگر اندیشه و مرام انبیا و اولیا که همیشه در عالم زنده‌اند، چون ما فوق عالم هستند لذا باید از اینها الگو بگیریم و همان طوری که امیرالمومنین (ع) فرمود: من مومنان را تربیت می‌کنم، فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز که انسان کاملی است برای همه زمان‌ها و مکان‌ها الگوست و دیگران را تربیت می‌کند.

از این رو در روایات داریم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: ﴿الْكَوِي مِنْ، مَادَرَمَ فَاطِمَةَ زَهْرَاسْت.﴾، یک معصوم و یک انسان کامل می‌فرماید مادرم زهرا اسوه و الگویی من است، یعنی اسوه ایمان من، اسوه اخلاق من و اسوه عمل من است و این نشانگر جامع بودن فاطمه زهراست.

* درباره شخصیت و مقام حضرت زهرا (س) توضیحی بدهید.

– در روایات ما خیلی به شخصیت حضرت زهرا(س) توجه شده است. در حدیثی که مکرر در کتب شیعی و سنی وارد شده از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: فاطمه مادر من است.

چرا پیامبر اینگونه می‌فرماید؟ چرا فاطمه را مادر خطاب می‌کند؟

این عبارت، اسرار بسیار پیچیده‌ای دارد که به زوایایی از آن اشاره می‌کنم:

اولا این تعبیر نشان دهنده اوج محبت پیامبر اکرم (ص) به فاطمه (س) است. می‌دانیم که پیامبر (ص) دارای بالاترین مرتبه عصمت است و لذا همه افعال و گفتار ایشان در بالاترین سطح باید مورد توجه قرار گیرد.

ثانیا وقتی پیامبر (ص) می‌فرماید فاطمه (س) مادر من است، از طرف دیگر هم می‌فرماید: من و علی (ع) پدر این امت هستیم، گویی پیامبر (ص) از فاطمه (س) متولد می‌شود چرا که هر کدام از ائمه معصوم که به دنیا می‌آیند نقس و جان پیامبر هستند و نظام تکوین و تشریع (دین) به وسیله اینها محفوظ می‌ماند.

در روایتی وارد شده که ﴿أُولَا مُحَمَّدٌ مُحَمَّدٌ أَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ أَخْرَنَا مُحَمَّدٌ وَ كَلَّنَا مُحَمَّدٌ﴾

باید به این تعبیر دقت کرد، همه ائمه ما، همه صفاتی را که پیامبر (ع) دارا بود، دارا بودند و اکنون نیز وجود مقدس امام زمان (عج) جان پیامبر (ص) است و شبیه‌ترین خلق به اوست.

پس امتداد رسالت پیامبر در عالم و تربیت نفس بشر، وابسته به فاطمه زهراست و او مادر همه عالم است لذا ما باید از این مادر

معنوی درس بگیریم و خود را در کلاس درس ایشان وارد کنیم. گرچه ولادت نسبی محدود است اما ولادت معنوی حد و مرز نمی شناسد، جغرافیا ندارد و محدود به زمان و مکان خاصی نیست، بلکه در هر زمانی می شود از حقیقت فاطمه زهرا (س) متولد شد. ما اگر بخواهیم تحت تربیت امیرالمومنین علی (ع) و فاطمه زهرا (س) قرار بگیریم، فرزند معنوی آنها خواهیم شد.

* در مورد مقام پدر و مادر مخصوصا مادر در اسلام توضیح دهید؟

– نگاه دین به خانواده، نگاه مقدسی است. در روایت داریم «النظر الي وجه الوالدين عبادة» نگاه کردن به چهره والدین عبادت است.

انسان به هر چیزی با دید الهی نگاه کند، مقدس می شود، عمل انسان از نوع بینش او سر چشمه می گیرد لذا هر گونه که انسان به عالم نگاه می کند و هر جور آن را تعبیر و تفسیر می کند عملش هم به همان نحو خواهد بود.

خداوند می فرماید: «وَصَيِّتَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ»؛ و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است. (لقمان/14)

خداوند در عین حال که می فرماید مرا شکر کنید، می‌فرماید از پدر و مادر خود تشکر کنید یعنی تشکر از پدر و مادر را در کنار تشکر از خود ذکر کرده است و این نشانگر عظمت و حرمت پدر و مادر است.

نکته دیگر که در آیه وجود دارد این است که بعد از اینکه فرمود «به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم» مادر را ذکر می کند و از او سخن به میان می آورد که نشان می دهد اهمیت مادر و مقام او خیلی مهمتر است.

در آیه بعد می‌فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا»؛ و هر گاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را شریک من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن... (لقمان/15)

جالب است که قرآن می‌فرماید: اگر پدر و مادر تلاش کردند تا به من شرک بورزی از آنها اطاعت مکن اما تا در دنیا هستی با آنان به نیکی رفتار کن، وقتی خداوند می فرماید به پدر و مادر مشرک احترام کن پس باید بفهمیم که پدر و مادر مومن چه حرمتی بر گردن انسان دارند. اصلا قابل بیان نیست لذا جوانان، خانواده ها و همه مومنین باید توجه کنند که یکی از اسباب خیر خداوند پدر و مادر است و به خصوص مادر.

در روایات داریم شخصی به خدمت پیامبر (ص) رسید و گفت گناه کرده ام چه کنم خداوند گناهانم را ببامزد؟ پیامبر اکرم (ص) فرمود: برو و به پدر و مادرت احترام کن. گفت پدرم از دنیا رفته حضرت فرمود برو و قبرش را زیارت کن، مرد گفت در غربت از دنیا رفته و قبرش معلوم نیست. حضرت فرمود: برو و در بیابان، در جای خلوتی به نیت قبر پدرت، شکل قبری بکش و آنرا زیارت کن.

از اینجا اهمیت احترام به پدر و مادر در اسلام مشخص می شود و خدا می داند که هیچ کس بدون احترام به پدر و مادر به هدایت نمی‌رسد و در رستگاری به رویش باز نمی‌شود.

روزی حضرت آیت‌الله بهجت در درس خارج، از یکی از علمای نجف نقل کردند که عالمی بود که می‌گفت بسیار فقیر بودم، شروع کردم برای پدرم پنجاه سال نماز قضا خواندم که موجب شد درهای رحمت به رویم باز شود، بعد از اتمام، دوباره نیت کردم و دوباره نماز قضا به جای پدر خواندم، دوباره درهای برکت باز شد و برای بار سوم، ثروت بسیاری به من داده شد.

حالا ببینید اگر کسی به مادرش نیکی و احسان کند به چه چیزهایی می‌رسد چرا که در مورد مادر بیشتر تاکید شده است. جوانی به محضر پیامبر (ص) رسید و چندین بار سوال کرد یا رسول الله به چه کسی احترام کنم پیامبر سه بار فرمود: به مادرت و بار آخر فرمود: به پدرت.

به هر حال، احترام به پدر و مادر و مخصوصا مادر، حتی پس از وفات آنها سبب باز شدن درهای رحمت می شود و پدر و مادر چه در حیات و چه در ممات، واسطه فیض هستند. نتیجه اینکه به پدر و مادر احترام و نیکی کنید تا درهای رحمت الهی به رویتان باز شود.